

سرمقاله

مهدویت، جهاد فرهنگی و راهبردی ما

مهدویت، باورداشت دینی است که همه زوایای زندگی ما را در برمی‌گیرد و بر رویکرد و رفتارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ما اثر می‌گذارد. شاید کمتر اندیشه دینی را بتوان سراغ گرفت که همانند مهدویت با ابعاد مختلف زندگی ما در هم تنیده شده و در ارتباط مستقیم بوده است. زوایای این بحث در مقالات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما این مسئله مطرح است که آیا جامعه منتظر، جایگاه محوری و راهبردی مهدویت را دقیقاً شناسایی کرده و برنامه‌ها و سیاست‌های خود را در این زمینه تعیین کرده است؟!

آنچه مشخص است اینکه ما نتوانسته‌ایم آن‌گونه که شایسته و بایسته است، مهدویت را نقطه کانون و محوری برنامه و فعالیت‌های خود قرار دهیم و راهبردهای مشخصی در رابطه با آن اتخاذ کنیم. علت آن نیز نبودن برنامه جامع در «سیاست‌گذاری فرهنگی» است؛ یعنی، نه تنها راهبردها و استراتژی‌های خاص نسبت به مهدویت نداریم، بلکه سیاست‌ها و خط‌مشی‌های روشنی نیز در این زمینه نداریم. از این‌رو باید تغییر و دگرگونی اساسی در نوع نگاه ما نسبت به مهدویت صورت گیرد و جایگاه محوری و بنیادی آن نه تنها در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان ما مشخص گردد؛ بلکه در راستای تبیین، ترویج و تبلیغ آن نیز برنامه‌ها و راهبردهای مشخصی ارائه و اجرا شود.

این امر نیازمند این است که نوع نگاه و رویکرد ما نسبت به مهدویت و بهره‌مندی از گنجینه‌های ارزشمند معارفی آن (روایات، ادعیه، زیارات و...) تغییر یابد و در مسیر درست آن قرار گیرد؛ تا در این زمینه بتوان نظریه‌پردازی کرد.

تغییر و اصلاح و بازسازی امور مهم و بنیادین، به راحتی قابل تحقق نیست و فرجام بهینه‌ای برای آن تصوّر نمی‌شود. در این‌گونه موارد دو رویکرد باید اتخاذ شود:

۱. جهاد و کوشش مداوم

۲. برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک)

در کنار تلاش و کوشش همه جانبه، مهم‌ترین برنامه، داشتن استراتژی (راهبرد) درست و مناسب است.

«راهبرد، الگویی از اهداف نهایی، سیاست‌ها، برنامه‌ها، اقدامات، تصمیم‌ها یا تخصیص منابع است که سازمان، کار سازمان و چرایی انجام دادن آن را تعریف می‌کند».

برنامه‌ریزی راهبردی نیز به شیوه نظام یافته بر مطالعه و بررسی اهداف و راه‌های رسیدن به آنها تکیه دارد تا از این راه آمادگی رویارویی با تغییرات آینده ایجاد شود.

به طور کلی چهار استراتژی اصلی (راهبرد) جهت پاسخ‌گویی به مسائل عمومی وجود دارد:

الف. استراتژی انفعالی

در این استراتژی، سازمان به مسائل عمومی و اجتماعی تحت قلمرو خود توجهی نمی‌کند و در مقابل خط‌مشی‌های وضع شده نیز از خود مقاومت به خرج نمی‌دهد.

ب. استراتژی انطباقی

در اینجا، سازمان؛ سهل‌ترین روش خود را با تغییرات پیش آمده در محیط و خط‌مشی‌های عمومی، منطبق کرده و تلاش می‌کند به سرعت خود را در مسیر اصلی کارها قرار دهد.

ج. استراتژی اثرگذار

در این استراتژی، سازمان سازوکارهایی را برای پیش‌بینی مسائل عمومی توسعه می‌دهد و به جای جنگ با تغییر یا انطباق با آن، استراتژی تأثیرگذاری بر تغییر را پیش می‌گیرد.

د. استراتژی تعاملی

سازمان مشروعیت خط‌مشی‌های عمومی را به عنوان فرآیندی که نشأت گرفته از انتظارات عمومی است، تشخیص داده و به این واقعیت که سازمان و جامعه، دارای روابطی متعامل هستند، رسیده است. در پاره‌ای اوقات بر افکار عمومی تأثیر گذاشته و در شرایطی دیگر، رفتار خود را تغییر می‌دهد.

برای پیشبرد بهینه امور و تحقق سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و پاسخ‌گویی به مسائل عمومی، باید بتوان استراتژی مناسبی انتخاب کرد و بر اساس آن، تاکتیک‌ها و شیوه‌های اجرایی بهتر و کارآمدی را به کار بست.

در اینجا مسئله این است که راهبرد فرهنگی ما نسبت به آموزه مهدویت، باید چگونه باشد؟! در واقع مناسب‌ترین استراتژی فرهنگی در قبال مسائل و موضوعات مرتبط با مهدویت چیست؟

در یک نگاه کلان، ابتدا باید بدانیم به عنوان جامعه منتظر، چه وظایف و مسئولیت‌هایی نسبت به «مهدویت» داریم و بهترین راه‌ها برای عمل به این مسئولیت‌ها چیست؟

در اینجا چند مسئولیت اصلی متوجه جامعه است که بیشتر عامل ثبات، بالندگی، تعالی و حرکت هستند:

۱. بصیرت آرمانی؛ یعنی دانایی و فهم ایمان که ناظر به آرمان قدسی و معطوف به جامعه مطلوب قرآنی است و منجر به بالا رفتن قدرت تمییز و تشخیص می‌شود.

۲. انتظار هویت‌ساز؛ یعنی بازسازی هویت جمعی و جهانی شیعه و قرار گرفتن

آنها در یک تشکل وصف واحد که به صورت مؤثر جهان را به سمت جامعه موعود سوق دهد.

۳. آینده‌نگری پیش‌برنده؛ یعنی، توجه عینی و عملی به آینده و انجام اقدامات سنجیده و کارآمد که موجب پیشتازی و حرکت سریع در تحولات جهانی می‌شود.

۴. روابط صالحانه؛ یعنی تشکیل جامعه مؤمن و منسجم برای تحقق وعده‌های الهی مهم دانسته و بر پاکی و طهارت اخلاقی و ایمانی اجتماع پافشاری می‌کند (وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم..)

۵. پایداری آرام؛ یعنی صبر و بردباری و استقامت در دوران سخت غیبت کبری، همراه با انضباط و حفظ اسرار و مسائل کلی مربوط به ظهور.

۶. روحیه مجاهدانه؛ یعنی شکل‌گیری جامعه‌ای معین و ناصر که قدرت و نیروی مضاعف و مجاهدانه خود را برای یاری و همراهی با منجی موعود آماده کرده و مهبیای قیام و جهاد است.

برای تحقق موارد یاد شده و عمل به مسئولیت‌ها و وظایف جامعه منتظر، نیاز به خط مشی‌ها و سیاست‌های فرهنگی در سطوح کلان و خرد است و به همین جهت باید راهبردهای خاص و روشنی نیز برای تحقق این سیاست‌ها در نظر گرفت. به نظر می‌رسد در این راستا، اتخاذ استراتژی مؤثر (اثرگذار) برای اجرای سیاست‌های کلان فرهنگی در عرصه مهدویت و انتظار، ضروری و کارساز است؛ یعنی، در عین حال که دارای سیاست‌های مطرح، مدون و روشنی در این زمینه هستیم، راهبردهای اثرگذار نیز - به خصوص در حوزه فرهنگ - داشته باشیم. در استراتژی اثرگذار، تغییر و اصلاح و یا انطباق اهمیت بسزایی دارد؛ یعنی باید آثار دگرگونی و تغییر را بتوان در آن مورد مشاهده کرد.

به نظر می‌رسد در این راستا راهبردهای زیر در عرصه مهدویت باید مورد توجه قرار گیرد:

۱. مهم‌ترین راهبرد فرهنگی ما در عرصه فرهنگ، خروج مهدویت از حاشیه

به متن و از فرعی بودن به اصلی بودن و از غیر قابل دسترس بودن به امری دست یافتنی و عینی است.

۲. چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران و سایر چشم انداز های احتمالی، باید ناظر و متوجه چشم انداز آموزه مهدویت باشد؛ یعنی این چشم انداز آرمانی دین، باید همچون ستاره ای پرفروغ، راهنما و جهت دهنده ما در همه سیاست‌ها و برنامه‌ها باشد و سمت و سوی کارها و فعالیت های فرهنگی ما را مشخص سازد.

۳. الگوها و مدل های فرهنگی (آموزشی، تربیتی، اخلاقی و...) از آموزه مهدویت استخراج گردد و در اختیار سازمان های فرهنگی، آموزش و پرورش، دانشگاهها، کارشناسان و دست اندر کاران فرهنگی کشور و... قرار داده شود تا در فهم بهتر آینده و استفاده از آنها در برنامه های خود، به این مدل‌ها مراجعه شود.

۴. ایجاد قرارگاه " دیده بانی فرهنگی " در یکی از مراکز مهم مهدوی و رصد کردن تحولات و تغییرات ملی، منطقه ای و جهانی و ارایه یافته‌ها و تجزیه تحلیل های خود به مراکز تصمیم گیری کشور.

۵. شکل گیری " هنر مهدوی " در عرصه سینما، تلویزیون، نقاشی و تصویر سازی، شعر و داستان و... باید مهم ترین راهبرد ما در جهان امروز باشد. هنر مهدوی، ضمن اینکه توجه خاصی به مقوله آینده و آینده نگری دارد، ارزش های متعالی مطرح در اندیشه مهدویت را دست مایه فعالیت های خود ساخته و به بازسازی و ارایه هنر مندانه آنها می پردازد. هنر مهدوی با سرمایه گذاری بر روی مباحث اصیلی چون فطرت گرایی، آرمان خواهی، کمال خواهی، آرامش و امنیت فردی و جمعی، قسط و عدل، سعادت و لذت واقعی، عبادت و معنویت گرایی، تنعم و آسایش همگانی و... می تواند حرف‌ها و پیام های فاخر و استواری را در جهان ارایه دهد.

۶. خانواده مهدوی، محله مهدوی، مدرسه مهدوی، دانشگاه مهدوی، اداره

مهدوی، شهر مهدوی، نظام مهدوی و... الگوها و نمادهایی هستند که توان بالای تبلیغی و فرهنگ سازی در اصلاح و بهبود امور و تشکیل جامعه صالح و ایمانی قبل از ظهور را دارند. در واقع شبیه سازی جامعه منتظر به جامعه مطلوب و آرمانی و بیان انتظارات و خواسته های مهدی موعود^{علیه السلام} از آن جامعه و حرکت به سمت وضع مطلوب و آرمانی، می تواند کمک شایانی به مهندسی فرهنگی جامعه بر اساس معارف قرآنی و رویکرد مهدوی داشته باشد و فضای معنوی اجتماع منتظران را دگرگون سازد.

۷. ...

روشن است که باورداشت مهدویت می تواند موجب نزدیکی و وحدت مسلمانان دنیا و احیای روحیه اخوت و برادری در میان کشورهای اسلامی باشد؛ منتها شکل و نحوه طرح این موضوع از مباحث مهمی است که نیاز به کار دقیق پژوهشی دارد و باید از آسیبها و آفاتی نظیر مباحث سیاسی و اختلافی و سطحی نگری نسبت به آموزه های مهدوی به دور باشد.

